



# موفه‌های پیشرفت از نگاه نهج‌البلاغه

هادی مجیدی

پیشرفت، فرآیندی است هدف‌دار که هدف نهایی آن رسیدن همه‌ی انسان‌ها به کمال شایسته‌ی خویش است و در نهایت، زمینه‌ساز شکوفایی استعدادها برای همه‌ی افراد جامعه است.

انشاده

## عدالت، عامل پیشرفت

در نهج‌البلاغه بارها و بارها روی مسأله‌ی عدالت تکیه شده است. امیرمؤمنان، علی علیه السلام، از بزرگترین بنیان‌گذاران عدل در جامعه‌ی بشری است و به گفته‌ی نویسنده‌ی معروف مسیحی، «جرج جرداق»، «او بانگ عدالت انسانیت است که از حلقوم تاریخ برخاسته است.» در تاریخ آمده است امیرالمؤمنین علیه السلام هنگامی که عطایایی را که عثمان، بی‌حساب و کتاب از بیت‌المال به اقوام و بستگانش داده بود، به بیت‌المال باز گردانید و فرمود: «به خدا سوگند اگر آن‌ها را (آن چه از عطایای عثمان) بیهوده از بیت‌المال مسلمین به این و آن بخشیده شده، بیایم، به بیت‌المال باز می‌گردانم، هر چند مهر و کلبین زنان شده باشد و یا کنیزانی را با آن در اختیار گرفته باشند، چرا که عدالت سبب گشایش و پیشرفت جامعه است و آن کس که عدالت بر او گران آید تحمل جور، بر او گران‌تر است.»<sup>۱</sup>

## مقدمه:

پیشرفت در هر جامعه بستگی به فرهنگ و آموزه‌هایی دارد که در آن جامعه حاکم است و شاخصه‌های آن را دین و فرهنگ آن جامعه بیان می‌کند. جامعه‌ای پیشرفته است که شهروندانش به آموزه‌ها، تعالیم و دستورات اخلاقی و اجتماعی اسلام پای‌بند باشند و آن رفتارها را در جامعه‌ی خود به اجرا در آورند. در آن اجتماع که مردم و جامعه، این آموزه‌ها را سرلوحه‌ی برنامه‌های زندگی خویش قرار دادند، پیشرفت تحقق خواهد یافت. بنابراین پیشرفت جوامع و انسان‌ها در پیشرفت فکری و اعتقادی و علمی است که از حق سرچشمه گرفته باشد و اساس آن را اعتقادات صحیح تشکیل دهد. چنین جامعه‌ای در همه‌ی ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی پیشرفت خواهد کرد. هدف اصلی این مقاله بررسی عمده‌ترین عوامل مؤثر در پیشرفت جامعه‌ی مطلوب از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه است.

### ۱- پیشرفت عقلانی

پیامبر اکرم علیه السلام در سرزمینی مبعوث شد که مردم آن سامان، در انواع اسارت‌های فکری و عقیدتی گرفتار بودند و کورکورانه اسیر تقلیدهای جاهلانه و سنت‌های متعصبانه از آبا و اجداد خویش بودند و این مانع بزرگی برای پیشرفت به شمار می‌رفت؛ لذا اولین عرصه‌ای که پیامبر اکرم علیه السلام به بنیان‌گذاری صحیح آن مبادرت ورزید، مهندسی تعقل بود. سرگذشت پیامبران بزرگ گویای این واقعیت است که تا سرمایه‌های انسانی به عنوان دارایی‌های نرم و غیر ملموس از اسارت‌های فکری و موهومات و خرافات آزاد نگردند، انرژی‌های فکری جامعه، امکان شکوفایی نمی‌یابد. امام علی علیه السلام فرمودند: «بالعقل تنال الخیرات؛<sup>۲</sup> پیشرفت‌ها در پرتوی عقل است.» و نیز در جای دیگر می‌فرماید: «لا یستعان علی الدهر الا بالعقل؛<sup>۳</sup> جز به یاری عقل، نمی‌توان بر مشکلات روزگار چیره شد.» به تعبیر امیرمؤمنان علیه السلام جامعه‌ای که چشم اندیشه‌ی خویش را بیدار نگه دارد، به منتهای خواسته‌ی خویش می‌رسد.<sup>۴</sup>

از منظر دین، پیشرفت نشانه‌ خردورزی است و با یاری عقل، هر پیشرفت و فایده‌ای امکان‌پذیر است.<sup>۵</sup> از این رو خردمندان راه‌های رشد و تعالی را از راه‌های شکست و ناکامی می‌شناسند<sup>۶</sup> و در صورت به کارگیری عقل و خرد، کیفیت کارها سامان می‌یابد.<sup>۷</sup> بنابراین در نگرش دینی بالاترین قله‌های پیشرفت، زمانی برای جامعه پدید می‌آید که سکان‌دار سیاست‌های کلان آن جامعه، انسان‌های عاقل و کاردار باشند. در یک کلام، منزلت سترگ عقل در ایدئولوژی دینی تا بدان‌جاست که عقل، برترین بهره‌ی آدمی از حیات شمرده شده است. امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «أفضل حظ الرجل عقله، إن ذل أعزّه و إن سقط رفعه و إن ضل أُرشدّه و إن تكلم سدّدّه؛<sup>۸</sup> برترین بهره آدمی عقل اوست؛ اگر در ذلت افتد، عزیزش می‌گرداند و اگر با شکست و وادادگی مواجه شود، به پیشرفتش برساند و اگر به بیراهه رود، راه صواب را به وی بنمایاند و اگر بخواهد سخنی بگوید، کلامی استوار بسازد.»

### ۲- پیشرفت علمی

بر اساس آموزه‌های دینی، پیشرفت انسان معلول رشد علمی و رشد عملی است. جامعه‌ای که خوب بفهمد و فهمیده‌ها را خوب عمل کند پیشرفت می‌کند. رشد علمی به ایمان برمی‌گردد و رشد عملی به عمل صالح و در قرآن کریم ایمان و عمل صالح دو رکن پیشرفت هستند. از مهم‌ترین بسترهای فرهنگ‌ساز در راستای پیشرفت، نظام تعلیم و تربیت است؛ چیزی که یکی از برترین فلسفه‌های بعثت پیامبران را تشکیل می‌دهد. امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «إن الله سبحانه بعث محمداً و لیس أحد من العرب یقرأ کتاباً ... فساق الناس حتی بوأهم محلتهم و بلغهم منجاتهم<sup>۹</sup> خدای سبحان، پیامبرش را زمانی فرستاد که هیچ یک از عرب‌ها کتابی نمی‌خواند. پس او مردم را رهبری کرد تا در جایگاه شایسته‌ی خود جایشان داد و به محل نجاتشان رسانید.» پیامبر اکرم علیه السلام تا آن‌جا به علم‌آموزی پیروانش اهمیت داد که در داستان بدر، پس از اسارت جمعی از مشرکان اعلام

کرد، اسیران می‌توانند با تعلیم خواندن و نوشتن به ده نفر از اطفال مسلمانان آزاد شوند.<sup>۱۰</sup> تردیدی نیست که ریشه‌ی هر پیشرفتی در تربیت اندیشیمندان و انسان‌های فرهیخته است. چنین هدفی زمانی قابل دسترسی است که جامعه از نظام آموزش و پرورش کارا و سالم برخوردار باشد تا در بستر آن، استعدادها و خلاقیت افراد شکوفا گردد و پله‌های ترقی و پیشرفت پیموده شود؛ از این رو، از منظر اسلام آموزش برای همه، در همه حال و برای همه مکان‌هاست، البته به شرطی که به اولویت‌بندی در رشته‌های تحصیلی مورد نیاز جامعه توجه ویژه شود و از آموزش‌های زیان‌بار و بی‌فایده پرهیز گردد. امام علی علیه السلام فرمودند: «العلم أكثر من أن یحاط به، فخذوا من کل علم أحسنه؛<sup>۱۱</sup> دانش بیش از آن است که بتوان همه‌ی آن را آموخت، پس از هر دانشی نیکوترین آن را بیاموزید.» لذا بدیهی است جامعه و ملت بی‌سواد و آموزش ندیده، راهی به سوی پیشرفت ندارد.

### ۳- پیشرفت سیاسی

از منظر دین، پیشرفت سیاسی جامعه، دوشادوش پیشرفت عقلانی و علمی از بنیادی‌ترین عوامل پیشرفت است؛ به گونه‌ای که اگر هر یک از عناصر آن نادیده گرفته شود، پیشرفت با ناکامی مواجه خواهد شد. اسلام بدین منظور اصولی را به عنوان زیرساخت‌های سیاسی پایه‌ریزی کرده که به صورت مستقیم در پیشرفت مسلمانان ایفای نقش می‌کند. در ادامه به این اصول اشاره می‌شود:

### اصل نفی سلطه بیگانگان

در نگرش دینی، پیشرفت زمانی دست‌یافتنی است که قاعده نفی سلطه بیگانگان مورد توجه جدی قرار گیرد. این قاعده از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول شناخته شده‌ی قرآنی است. امام علی علیه السلام در سخنان بسیاری بر عبرت گرفتن امت اسلام از استبداد، خودکامگی، سلطه و دیکتاتوری‌های ستم‌گر تأکید کرده و می‌فرماید: «از حالات زندگی فرزندان اسماعیل و اسحاق و اسرئیل (حضرت یعقوب) عبرت بگیرید. ... در احوالات آن‌ها، روزگاری که از هم جدا و پراکنده بودند، اندیشه کنید. زمانی که پادشاهان کسری و قیصر بر آنان حکومت می‌کردند و آن‌ها را از سرزمین‌های آباد، کناره‌های دجله و فرات و محیط‌های سرسبز دور کردند و به صحراهای کم‌گیاه و بی‌آب و علف، محل وزش بادهای و سرزمین‌هایی که زندگی در آن‌ها دشوار بود، تبعید کردند. ... حالات آنان دگرگون و قدرت آنان پراکنده و جمعیت آن‌بوه‌شان متفرق بود. در بلایی سخت و جهالتی فراگیر فرو رفته بودند...»<sup>۱۲</sup> امام علیه السلام در سخنان روشن‌گر خود، با بیان آثار و نتایج سلطه بیگانگان بر مردم یک جامعه و درخواست عبرت‌گیری مسلمانان از این حادثه‌ی تلخ گذشته، در واقع سلطه‌پذیری را نفی می‌نماید. زندگی همراه با ذلت و خواری و فرو رفتن در جهل و فقر از بزرگ‌ترین خطرات و آثار سلطه بیگانگان بر مردم یک جامعه و پیشرفت آن می‌باشد. روشن است که جوامع اسلامی اگر تنها به همین قاعده به درستی پای‌بند بودند، امروز این‌گونه عقب‌مانده و درمانده نبودند.

## نهی خودکامگی و فساد از ناحیه‌ی حاکمان

از منظر قرآن انسان آزاد آفریده شده است و بنده‌ی حلقه به گوش کسی نبوده و نیست. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً»<sup>۱۲</sup> بنده‌ی کسی نباش که خداوند تو را آزاد آفریده است. از منظر اسلام یکی از موانع بزرگ پیشرفت، نظام‌های خودکامه‌ای هستند که مسیر تعالی و ترقی جوامع را سد کرده‌اند. اینان انسان‌ها را از سعادت‌مندی و پیشرفت باز می‌دارند. ستمگران به راحتی استعدادهای و ظرفیت‌های دیگران را قربانی امیال و خواسته‌های نفسانی خود می‌کنند و توان انسانی جامعه را ضایع و تباه می‌سازند. امام علی علیه السلام در این رابطه می‌فرماید: «ما أتلّف الناس إلا ... و الحکام الجائرین؛ سوگند به خدا مردم را تلف نکرد مگر حکام ستم‌گر»<sup>۱۳</sup> امام علی علیه السلام هم‌چنین فرمودند: «به درستی که عدل و دادگری آن است که به هنگام حکم دادن با انصاف باشی و از ظلم دوری نمایی»<sup>۱۴</sup> از سخنان و کلمات قصار امام علی علیه السلام چنین استنباط می‌شود که آن حضرت، عدل را به معنی مراعات انصاف در حقوق مختلف افراد در جامعه می‌داند. امیرمؤمنان علیه السلام از جمله دلایل عقب‌ماندگی جامعه راه نظام‌های حاکمی می‌داند که در آن فرهیختگان منزوی گردند و ناهلان میدان یابند: «یستدل علی أدبار الدول بأربع ... تقدیم الأراذل و تأخیر الأفاضل»<sup>۱۵</sup> چهار چیز باعث سقوط دولت‌هاست؛ از جمله پیش انداختن فرومایگان و کنار زدن آگاهان و پرمایگان. «هم‌چنین در بیانی دیگر می‌فرماید: «إذا ملک الأراذل هلك الأفاضل؛ هنگامی که زمام مملکت به دست فرومایگان بیفتد، انسان‌های فرهیخته از بین می‌روند»<sup>۱۶</sup>

از نظر امام علی علیه السلام آن اصلی که می‌تواند تعادل جامعه را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد و به پیکر اجتماع سلامت عطا کند و به روح اجتماع آرامش بدهد عدالت است. عدالت بزرگراهی است عمومی که همه را می‌تواند در خود بگنجانند و بدون مشکلی عبور دهد؛ اما ظلم و جور، بیراهه‌ای است که حتی فرد ستمگر را به مقصد نمی‌رساند. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «همانا در عدالت گنجایشی خاص است، عدالت می‌تواند همه را در برگیرد و در خود جای دهد و آن کس که بیمار است، اندامش آماس کرده در عدالت نمی‌گنجد، باید بداند که جایگاه ظلم و جور، تنگتر است»<sup>۱۷</sup>؛ یعنی عدالت چیزی است که می‌توان به آن به عنوان یک رمز، ایمان داشت و به حدود آن راضی و قانع بود. حضرت، عدالت را یک تکلیف و وظیفه‌ی الهی بلکه یک ناموس الهی می‌داند. هرگز راضی نیست که یک مسلمان آگاه به تعلیمات اسلامی، تماشاچی صحنه‌های تبعیض و

بی‌عدالتی باشد»<sup>۱۸</sup>.

امام علیه السلام در جایی می‌فرماید: «فان فی العدل سعه و من ضاق علیه العدل فالجور علیه اضیق»<sup>۱۹</sup> عدل همواره موجب گشایش و رفع فشارها و حل مشکلات می‌شود و هر کس که از اجرای عدالت احساس فشار و سختی می‌کند یقیناً ظلم و جور فشار و سختی بیشتری برای او به همراه خواهد داشت. «اجرای عدالت و گسترش عدل در جامعه همواره موجب رفع فشارهای اجتماعی، گسترش و گشایش در همه زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و ایجاد رونق خواهد شد. بنابراین حاکم باید گوش شنوا برای حرف حق و پیشنهادهای و برنامه‌های عدالت‌خواهانه داشته باشد. او باید اعتقاد قلبی به این داشته باشد که حق و عدالت موجب پیشرفت فرد و جامعه می‌گردد، چون اگر چنین اعتقادی نداشته باشد، اجرای عدالت بر وی سخت و گران خواهد بود.

### مشارکت عمومی از ناحیه مردم

مردم در ساختار سیاسی اسلام، ستون فقرات حاکمیت به شمار می‌آیند. عدم مشارکت و بی‌تفاوتی آنان، جامعه را به سوی تک صدایی و تک محوری سوق می‌دهد و راه سعادت و پیشرفت را مسدود می‌کند. لذا توجه و روی‌آوری مردم به هرکاری نشانه‌ی شکل‌گیری آن کار است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «خوض الناس فی الشیء مقدّمه الکائن»<sup>۲۰</sup> رهیافت مردم در چیزی پیش شرط ایجاد آن است. «از این رو مشورت و مدد گرفتن از خرد جمعی در امور سیاسی - اجتماعی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. انسان هر قدر هم از حیث فکری نیرومند باشد، نمی‌تواند همه‌ی جوانب مسئله را مورد توجه قرار دهد؛ اما وقتی همان را به مشورت می‌گذارد و از تجارب و اطلاعات دیگران استفاده می‌کند از حجم اشتباهات می‌کاهد و از تلف شدن استعدادها و ظرفیت‌ها جلوگیری می‌کند. امیرمؤمنان علیه السلام مشورت را مانع عقب‌ماندگی و پسرفت دانسته و فرمودند «المستشیر متحصّن من السقط»<sup>۲۱</sup> کسی که مشورت کند، از سقوط و عقب‌گرد در امان می‌ماند. از فرمایش امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه استفاده می‌شود که کسانی که دارای استبداد رأی هستند و عقیده‌ی خود را برترین می‌دانند، در معرض خطری عظیم هستند. حضرت فرمود: «والاستشارة عين الهداية وقد خاطر من استغنى برأيه»<sup>۲۲</sup> مشورت نمودن چشمه هدایت است و کسی که آبه خاطر رای شخصی خود را مستغنی از دیگران بداند، خویشتن را به خطر می‌افکند. «هم‌چنین می‌فرماید: «من استبد برأيه هلك و من شاور الرجال شاركها فی عقولها»<sup>۲۳</sup> کسی که در رأی خویش مستبد



از منظر دین، پیشرفت

سیاسی جامعه، دوشادوش

پیشرفت عقلانی و علمی

از بنیادی‌ترین عوامل

پیشرفت است؛ به گونه‌ای

که اگر هر یک از عناصر

آن نادیده گرفته شود،

پیشرفت با ناکامی مواجه

خواهد شد. اسلام بدین

منظور اصولی را به

عنوان زیرساخت‌های

سیاسی پایه‌ریزی کرده

که به صورت مستقیم در

پیشرفت مسلمانان ایفای

نقش می‌کند.

باشد، هلاک می‌شود و کسی که با مردان مشورت نماید، در عقل‌های آنان شریک خواهد شد.»

#### ۴- پیشرفت اقتصادی

تلاش و کار بی‌وقفه‌ی همگانی، راه رسیدن به توانمندی اقتصادی، استقلال، ثبات سیاسی و امنیتی، اقتدار ملی و در یک کلام «پیشرفت جامعه» است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «العمل سائق؛<sup>۲۵</sup> تلاش پیش‌برنده است (باعث پیشرفت است).» در بینش دینی، کار و فعالیت اقتصادی دارای مطلوبیت ذاتی است و از خواسته‌های خداوند از بشر است؛ در واقع «کار» در این نگرش صرفاً برای مصرف و رفع نیازهای شخصی نیست، بلکه از وظایف انسانی و دینی شمرده می‌شود. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرماید: «أوصیکم ... بالاکتساب فی الفقر والغنی؛<sup>۲۶</sup> شما را سفارش می‌کنم به کار و درآمدزایی، چه در حال فقر و چه در حال بی‌نیازی.»

#### بهینه‌سازی مصرف

از جمله شاخصه‌های مهم پیشرفت اقتصادی در یک جامعه، بهینه‌سازی مصرف است و باید افراد یک جامعه از هدررفتن سرمایه‌ها در مصارف زیان‌بار جلوگیری کنند. روشن است اگر چنین فرهنگی در مردم جامعه‌ای نهادینه شود تا چه میزان می‌توان سرمایه‌ها و دارایی‌ها را در مسیر تولید به چرخش در آورد و از هدررفت سرمایه‌ها جلوگیری کرد. از این رو اسلام نسبت به مصرف بیت‌المال و اموال دولتی و عمومی حساسیت بیشتری نشان داده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در نامه‌ای به برخی از کارگزاران خویش نوشت: «أدقوا أقلامکم و قاربوا المعانی و إیاکم و الإکتار فإن أموال المسلمین لا تحتل الإضرار؛<sup>۲۷</sup> نوک قلم‌هایتان را باریک کنید و سطرها را به یکدیگر نزدیک نمایید. مطالب زیادی را حذف کنید و از زیاده‌نویسی بپرهیزید؛ زیرا اموال مسلمانان تحمل این گونه مصارف زیان‌بار را ندارد.»

#### ب: مولفه‌های معنوی پیشرفت جامعه از منظر نهج‌البلاغه

جامعه‌ی مطلوب مجموعه‌ای از افراد مؤمن، متعهد، عادل و عالم است که هم به تعالیم اسلامی ایمان آورده‌اند و هم نظام ارزشی و رفتاری این دین مقدس را چه در زمینه‌ی اخلاق و چه در زمینه‌های دیگر به کار بسته‌اند.<sup>۲۸</sup> مولفه‌های معنوی پیشرفت جامعه از منظر نهج‌البلاغه را می‌توان موارد زیر برشمرد:

#### تقوی

نخستین شاخص رشد و پیشرفت در جامعه اسلامی کسب تقوا، خودسازی و تزکیه‌ی نفس است. بنابراین جامعه‌ی اسلامی می‌بایست از نظر شاخص‌های فضایل باطنی و اخلاقی در حدی از کمال باشد که فضایل عقلانی، شرعی و عرفی در افراد آن به روشنی نمودار باشد. عدالت و اعتدال در شخصیت فرد باید به گونه‌ای باشد که هر یک از قوای نفسانی او به کمال برسد. روشن است اگر جامعه‌ای تقوای الهی

مهم‌ترین سرمایه‌ی یک جامعه اعتمادی است که افراد به یکدیگر دارند و هر چیزی که این اعتماد و همبستگی را تقویت کند مایه‌ی سعادت و پیشرفت جامعه است و هر کار بر آن لطمه وارد کند، عامل شکست و بدبختی است. لذا اگر مسأله وفای به عهد و میثاق‌های فردی و بین‌المللی حتی برای یک روز کنار گذاشته شود شیرازه‌ی زندگی بشر از هم گسسته می‌شود و پیشرفت جامعه‌ی انسانی عملاً متوقف می‌گردد. به همین دلیل در حدیثی از امام امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: «لا تَعْتَمِدْ عَلَی مَوَدَّةِ مَنْ لَا یُوفِی بَعْدَهُ به دوستی کسی که پایبند به عهد خویش نیست اعتماد مکن»

پیشه کند، بی‌تردید به شکوفایی و تعالی دست می‌یابد. امیرالمومنین علیه السلام در نهج‌البلاغه، اولیاءالله و انسان‌های باتقوا را محور یک جامعه‌ی الهی پیشرفته می‌داند و یاران خود را تشویق می‌کند که در زمره‌ی آنان باشند. حضرت در توصیف آن‌ها می‌فرماید: «در این میان گروهی باقی مانده‌اند که یاد قیامت، چشم‌هایشان را فرو افکنده و ترس از دادگاه محشر، اشکشان را جاری ساخته است...»<sup>۲۹</sup>

#### استغفار

استغفار بنا بر آن چه که در آیات قرآن و روایات وارد شده موجب می‌شود که مشکلات زندگی انسان و جوامع برطرف گردد. اگر یک جامعه‌ای به گناهان خودشان توجه کنند و درصدد جبران خطاها و گناهان خویش برآیند و از خدای متعال طلب مغفرت کنند، برکات الهی بر این جامعه سرازیر خواهد شد.<sup>۳۰</sup> امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «(خداوند!) تو مایه‌ی امید هر بیچاره و حلال مشکلات هر طلب کننده‌ای. در این هنگام که یأس و نومیدی بر مردم چیره گشته، تو را می‌خوانیم که ما را به اعمالمان مؤاخذه نکنی و به گناهانمان مگیری!»<sup>۳۱</sup> این تعبیر به خوبی نشان می‌دهد که بسیاری از آفات و بلاها و تنگناها به خاطر گناهان مردم است و تا به درگاه خدا نروند، استغفار و تقاضای عفو و بخشش نکنند مشکل آن‌ها حل نمی‌شود و پیشرفت میسر نخواهد شد.

#### شکر

به یقین شکرگزاری‌ها افزون بر این که باعث پرورش روح انسان می‌شود، نیکوکاران را به کار نیک بیشتر تشویق و غیر نیکوکاران را در این زمره وارد می‌کند و اگر می‌بینیم در دنیای امروز طی مراسمی از افراد برتر در هر رشته و هر برنامه‌ای قدردانی می‌کنند و لوح سپاس به آن‌ها می‌دهند برای همان آثار مثبتی است که این کار در پیشرفت جامعه دارد. از آثار شکر، تداوم یافتن نعمت‌ها است و وظیفه‌ی انسان هوشیار این است که به استقبال نعمت برود و استقبال از آن راهی جز شکرگزاری ندارد. هرگاه با آغاز روی آوردن نعمت به شکر قلبی، زبانی و عملی پرداخته شود، آن نعمت ادامه خواهد یافت. حضرت علی علیه السلام



بود و انسان‌های شریف و فاضل مسئولیت‌های گوناگون را به عهده داشتند آن جامعه پیشرفت خواهد کرد.

در این زمینه می‌فرماید: «إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النَّعْمِ فَلَا تُنْفَرُوا أَقْصَاهَا بِقِلَّةِ الشُّكْرِ؛<sup>۳۳</sup> هنگامی که مقدمات نعمت‌ها به شمار روی می‌آورد دنبال‌های آن را به واسطه‌ی کمی شکرگزاری از خود دور نسازید.»

### وفای به عهد

مهم‌ترین سرمایه‌ی یک جامعه اعتمادی است که افراد به یکدیگر دارند و هر چیزی که این اعتماد و همبستگی را تقویت کند مایه‌ی سعادت و پیشرفت جامعه است و هر کار بر آن لطمه وارد کند، عامل شکست و بدبختی است. لذا اگر مسأله وفای به عهد و میثاق‌های فردی و بین‌المللی حتی برای یک روز کنار گذاشته شود شیرازه‌ی زندگی بشر از هم گسسته می‌شود و پیشرفت جامعه‌ی انسانی عملاً متوقف می‌گردد. به همین دلیل در حدیثی از امام امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: «لَا تَعْتَمِدْ عَلَى مَوَدَّةٍ مَنْ لَا يُوْفِي بِعَهْدِهِ؛ به دوستی کسی که پایبند به عهد خویش نیست اعتماد مکن.»<sup>۳۴</sup> در نقطه‌ی مقابل آن اگر پیمان شکنی‌ها در سطح جامعه‌ای گسترش یابد همه نسبت به یکدیگر بدبین و بی‌اعتماد می‌شوند و رشته‌ی اتحاد آن‌ها پاره می‌گردد و به آسانی در برابر دشمن زانو می‌زنند.

### حکومت صالح

امیرالمومنین علیه السلام در بیان خطبه‌ای می‌فرماید: «و اعظم ما افترض - سبحانه - من تلك الحقوق حق الوالی علی الرعیة ، و حق الرعیة علی الوالی، فریضة فرضها الله - سبحانه - لكل علی کل؛<sup>۳۵</sup> از میان حقوقی که خداوند واجب ساخته، بزرگترین آن‌ها حق والی و زمامدار بر رعیت و حق رعیت بر والی است و فریضه‌ای است که خداوند سبحان آن را بر هر کدام در مقابل دیگری مقرر فرموده است.» بنابراین حضرت با بیان این خطبه به این امر اشاره دارد که صلاح و فساد رعیت و زمامداران به هم گره خورده است و هر دو در یکدیگر اثر متقابل دارند. زمامداران فاسد، رعایا را به فساد می‌کشاند و رعایای صالح، حکومت را مجبور به پذیرش حق و عدالت می‌کنند و اگر هر دو صالح باشند بهترین شرایط برای پیروزی و پیشرفت جامعه فراهم می‌گردد.

بنابراین اگر انسان با مطالعه دریابد که اصول ارزشی در جامعه، تضییع شده و نیرنگ، غرور و فریب جای آن را گرفته و پست‌های حساس جامعه در اختیار فرومایگان و ستمگران قرار گرفته و انسان‌های فاضل و عالم از تصدی آن مشاغل محرومند، می‌تواند استدلال کند که آن جامعه به سوی سقوط و انحطاط پیش می‌رود و در مقابل، اگر اصول ارزشی تقوا، استغفار، شکر، وفای به عهد، تلاش، کوشش و عدالت در ارکان جامعه حاکم

### پی نوشت:

- ۱- نهج البلاغه؛ خطبه ۱۵
- ۲- آمدی، غررالحکم، ۱۳۶۶: ح ۴۰۹
- ۳- مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۷/۷۵
- ۴- «من أسهر عین فکرته، بلغ کنه همته» آمدی، غررالحکم، ۱۳۶۶: ح ۵۵۲
- ۵- «فیالعقل یستفید» آمدی، غررالحکم، ۱۳۶۶: ح ۳۳۰
- ۶- کفکاف من عقلک ما أوضح لک سبل غیک من رشدک نهج البلاغه، حکمت ۴۲۹.
- ۷- «کیفیة العمل تدل علی کمیة العقل» آمدی، غررالحکم، ۱۳۶۶: ح ۷۲۲۶
- ۸- آمدی، غررالحکم، ۱۳۶۶: ح ۳۰۶
- ۹- نهج البلاغه، خطبه ۳۳
- ۱۰- سبحانی، فروغ ابدیت، ۱۳۸۵: ۵۱۸/۱
- ۱۱- آمدی، غررالحکم، ۱۳۶۶: ح ۱۸۴
- ۱۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲
- ۱۳- (ابن شعبه، تحف العقول، ۱۴۰۴: ۷۷، نهج البلاغه، نامه ۳۱)
- ۱۴- غررالحکم «ترجمه محمد علی الأضاری»؛ ۱۰۶/۵۴۲
- ۱۵- همان، ص ۲۲۰
- ۱۶- آمدی، غررالحکم، ۱۳۶۶: ح ۷۸۲۵
- ۱۷- همان، ح ۸۰۳۶
- ۱۸- خطبه ۱۵
- ۱۹- سیری در نهج البلاغه؛ مرتضی مطهری ۲۰- خطبه ۱۵
- ۲۱- غررالحکم، ح ۱۱۰۴۲
- ۲۲- آمدی، غررالحکم، ۱۳۶۶: ح ۱۰۰۶۸
- ۲۳- نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱
- ۲۴- همان، حکمت ۱۶۱
- ۲۵- ابن شعبه، تحف العقول، ۱۴۰۴: ۲۰۸
- ۲۶- حکیمی، الحیاه، ۱۴۰۸: ۵/۲۹۷
- ۲۷- مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱۴۱/۱۰۵
- ۲۸- محمدتقی مصباح، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۴۲۱
- ۲۹- نهج البلاغه، خطبه ۳۲
- ۳۰- پنج گفتار حضرت آیت الله خامنه‌ای در باب توبه و استغفار در ماه مبارک رمضان، انتشارات صها
- ۳۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۱۵
- ۳۲- همان، حکمت ۱۳
- ۳۳- غررالحکم، حدیث ۱۰۲۹۰
- ۳۴- خطبه ۲۱۶



استغفار بنا بر آن چه که در

آیات قرآن و روایات وارد

شده موجب می‌شود که

مشکلات زندگی انسان و

جوامع برطرف گردد. اگر

یک جامعه‌ای به گناهان

خودشان توجه کنند و

درصد جبران خطاها و

گناهان خویش برآیند و از

خدای متعال طلب مغفرت

کنند، برکات الهی بر این

جامعه سرازیر خواهد شد.

